



با اینکه ممکن است یک روز از ذهن همه می فکر کردن به این موضوع رد بشود اما اینکه آدمی تصمیم بگیرد برای نجات خانواده اش از وضع بد مالی جان خودش را فدا کند، کمی حس و حال فانتزی بودن و اغراق با خود می آورد. چقدر سعی کردید از این فانتزی احتمالی دور شوید؟ خودتان این خطر را احساس می کردید؟

موقوبی: مطلقاً حس و حال فانتزی در این فیلم و داستانش وجود ندارد. به نظرم ممکن است هر کسی جای «قاسم سبزی کار» قرار بگیرد دست به چنین کاری بزند. با اینکه این شخصیت زاده خیال و تصور ماست ولی قطعاً مابه‌ازاهای بیرونی فراوانی دارد که فقط ما آنها را نمی بینیم. «قاسم سبزی کار» آدمی است که در اوج ناامیدی قرار دارد، از یک چیزهایی کلامی پرد تصمیم می گیرد. جوانگی را در نبود خودش تجربه و فکر می کند بانبودن خودش، بودن خیلی آدم‌ها تضمین می شود.

پس دلیل اینکه ابتدا اسم فیلم «تراژدی قاسم سبزی کار» شد به همین مسئله مربوط می شود؟ یعنی این داستان یک تراژدی است؟

موقوبی: راستش را بگویم «تراژدی قاسم سبزی کار» اسم خیلی قشنگی است در عین حال که به داستان هم ارتباط مستقیم دارد به همین دلیل آن را انتخاب کردیم.

چرا در ادامه، «قاسم سبزی کار» را از اسم فیلم حذف کردید؟

موقوبی: به این دلیل که وقتی مخاطب اسم «قاسم سبزی کار» را می شنید با خودش احساس می کند که حتماً این آدم یک شخصیتی است که باید او را بشناسد. خیلی‌ها در این مدت، این موضوع را به من گفتند که این آدم کیست و حتی کمی از اینکه اسم او را نشنیده‌اند یا نمی شناسند احساس گناه می کردند ولی من به آنها می گفتم که این آدم اصلاً معروف نیست فقط آهنگ این اسم و فامیل توازن قشنگی ایجاد می کند. این شد که با آدم‌های زیادی در خصوص اسم فیلم مشورت کردم و در نهایت به این نتیجه رسیدم که بهتر است اسم فیلم همان «تراژدی» خالی باشد.

آقای هاشمی! دو تا نقش خیلی خاص در این سال‌های اخیر بازی کرده‌اید. یکی در فیلم «هیچ» و یکی هم در «صد گلوله». نقش‌هایی که خیلی سینمایی هستند تا حقیقی و ملموس. قاسم سبزی کار هم به نظر شخص خاصی است؟

هاشمی: بله. کاملاً خاص است. خاص از این لحاظ که زندگی خاص است. گرفتاری‌هایی دارد، گرفتاری‌هایی هم افزون بر آن چه در زندگی عادی‌اش دارد برایش پیش آمده و در این حالت چاره‌ای ندارد جز اینکه کار خاصی انجام دهد. آن کار خاص تبدیل به موتور فیلم می‌شود. در دنیای داستان‌های دراماتیک یک شخصیت منفی وجود دارد که با کارهای زندگی آدم‌های مثبت قهر را وارد یک بحرانی می‌کند که باعث می‌شود فیلم به اصطلاح راه بیفتد. قاسم سبزی کار شخصیت منفی نیست ولی شروع کننده‌ی یک اتفاق و درگیری است. جمله‌ی معروفی است که می‌گوید: اگر می‌خواهی کاری بکنی که تا به حال نکرده‌ی باید آدمی بشوی که تا به حال نبوده‌ی باید کاری کنی که تا به حال نکرده‌ی. این مرد از روی نیاز و ناچاری و برای حفظ خانواده‌اش در آینده دست به چنین کاری می‌زند. پس وقتی آدمی با اختیار از سرنوشت و خط معمول زندگی‌اش بیرون می‌رود ناخودآگاه تبدیل به یک آدم خاص می‌شود.

قطعاً یک سمت انتخاب هر نقشی از سوی بازیگر تجربه‌ای مثل شما کارگردان است و یک سمت هم فیلمنامه. در «تراژدی» کفه‌ی کدام یک سنگین‌تر بود؟

هاشمی: جز کارگردان‌هایی مثل آقای بیضایی و چند نفر دیگر که نویسنده‌های بزرگی هستند سایر کارگردان‌ها که نویسنده نیستند یا حداقل نشان ندادند که نویسنده‌های خوبی هستند به همین دلیل در چنین موقعیت‌هایی سناریو اهمیت بیشتری برای من دارد. خانم موقوبی تا قبل از ساخت «تراژدی» با اینکه یکی از بهترین مدیر تولیدهای سینمای ایران بودند که من هم در اولین همکاری‌ام با ایشان سر صحنه‌ی «فرزند چهارم» متوجه شدم که انسان بسیار مطلع و با سوادی است اما فیلم‌نساخته بودند. وقتی فیلمنامه‌ی اولیه را خواندم به این نتیجه رسیدم که خط و خطوط اولیه‌ی قصه خیلی جذاب است، چندین بار بازنویسی شد، نویسنده‌گانی به کمک فیلمنامه آمدند تا فیلمنامه قوام پیدا کند. برای من خیلی مهم است که در یک فیلمنامه داستان از کجا شروع می‌شود، چگونه و در

کجا تمام می‌شود، شخصیت‌ها چه کسانی هستند و چه شناسنامه‌ای دارند. فیلمنامه در بازنویسی‌های متعدد ۸۰ درصد برای من قابل قبول شده بود و ۲۰ درصد باقیمانده به دلیل دیالوگ‌ها هنوز برایم مسئله بود که آن هم به مرور حل شد.

خب زمانی که همه چیز مهیا شد و کار شروع شد، کارگردانی خانم موقوبی به عنوان یک کارگردان اولی را چگونه دیدید؟

هاشمی: وقتی وارد کار شدیم حقیقتاً تصویری از اینکه قرار است خانم موقوبی چه جور کارگردانی کنند را نداشتیم. اما همان چند روز اول متوجه حساسیت بالای ایشان شدم. دیدم که هر پلان تا درنهایت به سرانجام پلان بعدی نمی‌روند. این مسئله با وجود یک فیلمبردار جوان اما بسیار خوش‌فریحه و خوش‌ذوق به نام هومن بهمنش یک ریتم بسیار خاص و جالبی به تولید فیلم داد که در نهایت باعث شد پروسه‌ی فیلمبرداری ۸۵ روز طول بکشد.

موقوبی: من صحبت‌های آقای هاشمی را تکمیل کنم و بگویم که هومن بهمنش مهم‌ترین آدم پشت دوربین این فیلم است. یک جوان خلاق و پراحساس و کاملاً با مسئولیت.

هاشمی: به هیچ عنوان کوتاه نمی‌آمد و بسیار باهوش است. حتی اگر ته‌کوچه، رنگ یک لامپ عوض می‌شد هومن می‌دید و تا درست شدن آن، کار را شروع نمی‌کرد و این حد ریزبینی و دقیق بودن در نوع خودش بسیار بی‌نظیر و جالب است.

به نظر تان سه ماه فیلمبرداری خیلی زیاد نبود؟

هاشمی: نه. واسط کار به این نتیجه رسیدیم این فیلم با حساسیت‌هایی که کارگردان و البته فیلمبردار روی تک تک پلان‌ها دارند باید یک روند طبیعی در ساخت طی کند و برای طی شدن این روند طبیعی نباید برای اتمام کار زمان مشخص کنیم. وسط فیلم، خود کارگردان هم اذعان کرد که «تراژدی» دو فیلم در یک فیلم است. دو خط داستانی مختلف در هم ادغام می‌شوند و قدم به قدم با هم جلو می‌روند و سختی کار هم دقیقاً همین بود که شما سنگینی ساخت دو تا فیلم را احساس می‌کردید، این فیلم از نظر اتفاق و داستان خیلی پر و پیمان بود. البته این یک حسن بزرگ است آن هم در دوره و زمانه‌ای که فیلم‌های سینمای ایران از قصه و اتفاق خالی‌اند و بسیاری از کارگردان‌ها فیلم‌های ۶۰ دقیقه‌ای را تبدیل به ۹۰ یا ۱۰۰ دقیقه می‌کنند. در هر صورت من این طی شدن روند طبیعی ساخت و حساسیت بالای کارگردان را خیلی دوست داشتم. در کنار همه‌ی اینها برخورد بسیار خوب خانم موقوبی با بازیگر هم برای من خیلی جالب بود.

جالب شد. خیلی جاها در محافل سینمایی می‌گویند اتفاقاً خانم موقوبی که مدیر تولید کارهای مختلفی بوده، سر کار خیلی آدم خوش اخلاقی نیست؟

موقوبی: خب اولاً شرایط مدیر تولید بودن با کارگردانی فرق می‌کند. ضمن اینکه من اصلاً آدم بد اخلاقی نیستم فقط بسیار جدی هستم و جدیت هیچ ربطی به شوخ طبع بودن آدم ندارد. شما می‌توانید آدمی بسیار جدی باشید و در عین حال شوخی و خنده‌های خودتان را هم داشته باشید. فکر می‌کنم آقای هاشمی، وجهی از من را دیده‌اند که برایشان جالب بوده.

هاشمی: یک مثالی برایتان می‌زنم تا متوجه صحبت‌م بشوید. با بسیاری از کارگردان‌ها کار کرده‌ام که تهیه‌کننده از آنها خواسته در ۴۰ یا ۵۰ روز کار را جمع کنند. جاهایی پیش می‌آید که بازیگر در بازی‌اش احساس نقص و ضعف می‌کند. احساس می‌کند گفت‌وگوهایش با کارگردان برای به نتیجه رسیدن کافی نیست و نیاز دارد با کارگردان در مورد نقش بیشتر حرف بزند اما کارگردان به دلیل فشاری که برای تمام کردن در آن تایم محدود دارد خیلی ذهنش جواب نمی‌دهد که پاسخ مناسبی به بازیگر بدهد.

که نتیجه‌اش می‌شود بسیاری از فیلم‌های امروز که کارگردان روی پرده، یک ساز زده و بازیگر ساز دیگری.



موقوبی:

بهرام رادان را قبل از بازیگر شدنش می‌شناسم و می‌دانم که یک بچه‌ی تخیلی در درونش دارد که تا به حال در سینما رونکرده، ضمن اینکه خودش هم خیلی تمایل داشت که این وجهی او دیده شود.

ریزترین ابهامات با بازیگرانش وارد گفت‌وگو می‌شد و مثلاً زمانی که من احساس می‌کردم جایی در پلانی جای دیالوگی کم است، خلایی وجود دارد یا حتی دیالوگ نیاز به اصلاح دارد، می‌نشستیم و با گفت‌وگو آن خلأ را پیدا می‌کردیم. این اتفاق نه یک بار یا چند بار بلکه در معمولی‌ترین و حساس‌ترین صحنه‌ها و دیالوگ‌ها رخ داد و همه چیز هم با صبر و حوصله جلو می‌رفت. صبر و حوصله داشتن کارگردان و برقراری تعامل درست با بازیگر مهم‌ترین اتفاقی است که

هاشمی: دقیقاً. برای من بحث پلان‌ها و سکانس‌ها حل شده بود ولی دیالوگ‌های فیلم هنوز برایم جای سوال داشت. گفت‌وگوها و کلامی که بار عاطفی و جهان‌بینی یک شخصیت را با خودش حمل می‌کند برایم خیلی مهم است. یک زندگی قرار است در ۱۰۰ دقیقه خلاصه شود و شما نمی‌توانید در این فشردگی از یکسری دیالوگ‌های معمولی و عادی استفاده کنید. گفت‌وگوها باید بار معنایی درستی با خودش داشته باشند. در این مرحله، کارگردان این فیلم حتی در

روایت آریتا موقوبی کارگردان و مهدی هاشمی بازیگر فیلم «تراژدی» از ۸۵ روز کار

مهدی من یک بیننده‌ی حساس هستم

آریتا موقوبی پس از سال‌ها حضور در عرصه‌های مختلف تولید بالاخره پشت دوربین کارگردانی اولین اثر سینمایی‌اش قرار گرفت و ماحصلش شد «تراژدی». فیلمی که از حضور بازیگران سرشناس سینما و تئاتر از جمله مهدی هاشمی، بهرام رادان، رویا نونهالی، پیام دهکردی، سیامک صفری، امید روحانی، حسین یاری و پانته‌آ بهرام بهره می‌گیرد. فیلم را در ۸۵ روز و با شرایط تولیدی سخت در تهران و دماوند فیلمبرداری کرد و آنقدر حساسیتش روی کار بالا بود که حتی احتمال اینکه فیلم به جشنواره‌ی فجر نرسد، هم قوت نگرفت. در کنار همه‌ی اینها، در گذشت مادر آریتا موقوبی در حین مراحل فنی کار را هم بگذار بد کنار سختی‌های فیلم. با این حال فیلم به جشنواره رسید و اگران هم شد. هنوز باز خورده‌هایی از فیلم آن چنان که باید دیده و شنیده نشده به همین دلیل هم در گفت‌وگویی که با کارگردان و بازیگر اصلی فیلم انجام دادیم خیلی سمت تحلیل محتوا و ساختار فیلم نرفتیم و گذاشتیم صحبت‌ها در این زمینه بماند برای زمان اگران عمومی. گفت‌وگویی که در ادامه می‌خوانید در خصوص حاشیه‌ها و روند فیلم است آن هم از زبان مهدی هاشمی بازیگر و آریتا موقوبی کارگردان این فیلم.

می‌تواند در جهت بالا رفتن کیفیت بازی‌ها در یک فیلم رخ دهد که خوشبختانه در این فیلم کاملاً رخ داد.

خانم موقوبی! با توجه به اینکه «تراژدی» اولین تجربه‌ی فیلمسازی شماست می‌توانیم این پر خورده‌ی درست با بازیگر که تا این اندازه بازیگری مثل مهدی هاشمی را راضی نگه داشته، ناشی از تجربه‌های متعدد شما در زمینه‌ی تولید پشت صحنه‌ی آثار مختلف سینمایی بدانیم. اینکه شما در کار با کارگردان‌های مختلف به یکسری باید و نبایدها در برخورد با بازیگر تان رسیده‌اید.

موقوبی: اولاً من خودم را فیلمساز نمی‌دانم. هنوز هم معلوم نیست چند سال بعد از ساخت «تراژدی» ممکن است به عنوان کارگردان دوباره پشت دوربین قرار بگیرم. من صرفاً کارگردان نبوده و نیستم. کار من سینماست، من یک سینماگرم.

پس چطور شد که «تراژدی» را ساختید؟
موقوبی: احساس کردم باید آن را بسازم. اتفاقاً علت اصلی ساخت فیلم هم شخص آقای هاشمی بود. من در زمان تولید «فرزند چهارم» طرح یک خطی این داستان را برای آقای هاشمی تعریف کردم و گفتم که فیلمنامه‌اش را هم دارم و چند سال دیگر که ۴۵ ساله شدم می‌خواهم آن را بسازم. بعد آقای هاشمی گفتند از کجا معلوم که اصلاً تا ۴۵ سالگی زنده باشی؟! ولی خب بعد شرایطی مهیا شد که زودتر از آن چیزی که پیش خودم فکر می‌کردم فیلم را بسازم. به همین دلیل مطمئن نیستم آیا در سال‌های آتی باز هم داستانی مثل این پیدا می‌شود که تبدیل به دغدغه‌ی من شود و مصرا نه بخوام آن را بسازم یا نه.

یعنی حریص کارگردانی کردن نیستید؟

- من یک نظر قدیمی درباره‌ی
- سینما دارم که خیلی علمی
- نیست و خیلی‌ها هم ممکن
- است آن را قبول نداشته باشند.
- از نظر من وقتی تمام افرادی
- که قرار است یک یا چند ماه در
- کنار هم باشند تا اثری خلق شود
- اگر مدام انرژی مثبت در طول
- تولید کار به خودشان و آدم‌های
- اطرافشان بدهند نتیجه قطعاً
- خوب خواهد بود، اگر می‌بینید
- کاری درست به سرانجام
- نمی‌رسد و مورد پذیرش
- مردم قرار نمی‌گیرد قطعاً جایی،
- اختلافی، تنش‌ی یا چند دستگی
- وجود داشته که نتیجه‌اش را
- مخاطب روی پرده‌ی سینما
- می‌بیند.

